



خبر نامه خانه امن

شماره ۵

شهریور ۱۳۹۳

موضوع: روابط جنسی خارج از ازدواج

چرا این موضوع را انتخاب کردیم؟

این بار موضوع خبرنامه را به "روابط جنسی خارج از ازدواج" با تمرکز بر قوانین ناظر بر آن و اثرات خشونت باری که متوجه زنان می شود، اختصاص داده ایم. با این امیدواری که اهمیت موضوع بیش از آن چه تا کنون به آن توجه شده، به بررسی گذاشته بشود.

ایران کشوری است با اکثریت مسلمان که قانون اساسی آن، تنها منبع قانونگذاری را موازین فقهی و شرعی اعلام کرده است. بنابراین و نظر بر این که پیرامون روابط جنسی خارج از ازدواج، چنانچه از نوع "تجاوز" نباشد، منابع فقهی و شرعی، حرمت قائل شده اند، لذا قوانین ناظر بر آن، این روابط را مصداق جرائم مشمول مجازات های سخت قرار داده که هرگاه جرم در دادگاه به اثبات برسد، حتی قاضی برای تخفیف در مجازات، فاقد اختیار است. از این رو روابط جنسی خارج از ازدواج، همیشه، نه تنها جرم بوده، بلکه عرف و اخلاق اجتماعی بر آن صحه نمی گذاشته است. این موانع قانونی، شرعی، و اجتماعی سبب شده تا روابط جنسی خارج از ازدواج تا جایی که میسر بوده صورت پنهانی و زیر زمینی پیدا کند. در مواردی که علنی می شده، زن در جای شریک جنسی در این رابطه، کل احترام و اعتبار خانوادگی و اجتماعی را از دست می داده، حتی اگر مجازات های سنگین قانونی و شرعی بر او تحمیل نمی شده است.

سایت خانه امن با اهداف مختلفی تاسیس شده است. این اهداف عبارت است از:

- ظرفیت سازی جامعه مدنی و حقوقی ایران در جهت پشتیبانی از قربانیان خشونت خانگی.
- افزایش آگاهی عمومی ایرانیان درباره خشونت خانگی و انواع آن و راههای پیشگیری و کنترل خشونت خانگی.
- فراهم آوردن فضا و فرصتی برای فعالان جامعه مدنی و وکلا برای بحث و گفت و گو درباره خشونت خانگی در ایران.
- آموزش از طریق برگزاری میزگردهای آن لاین و کلاس های آموزشی.

همچنین

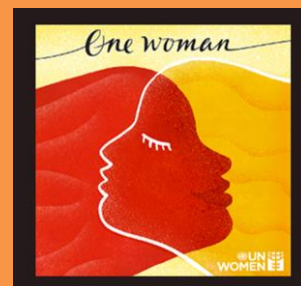
وب سایت "خانه امن" یک دفتر وکالت مجازی است که وکلای ما آماده ارائه خدمات مشاوره رایگان به افرادی هستند که با اشکال مختلف خشونت خانگی مواجه شده اند.

"به امید روزی که در هیچ خانه ای خشونت نباشد."

مشاوره حقوقی رایگان برای قربانیان خشونت خانگی:

www.khanehamn.org/hotline-online

تلفن: ۰۲۱-۸۵۳۱۲۶۰۰
روزهای سه شنبه و چهارشنبه
از ۱۷:۳۰ تا ۲۰:۳۰



گزارش‌ها حکایت از آن دارد که زندگی جنسی خارج از ازدواج در بخشی از جامعه، طرفدارانی پیدا کرده و به تدریج خود را به صورت شیوه‌ای از زندگی دو جنس مطرح می‌کند. همزیستی با یکدیگر در یک خانه، بدون آن که عقد و نکاحی در بین باشد، به رابطه‌ای که تابو بوده و هست، فرصت داده تا زیر نام "ازدواج سفید" خود را تعریف کند. برخی وجود این شکل از همزیستی را در ایران بکلی انکار می‌کنند و جمعی با فرض وجود و نرخ رو به تزاید آن، موضوع را به خصوص از حیث خشونت خانگی که بر زن از سوی شریک جنسی اش وارد می‌شود، قابل طرح و بحث می‌دانند. ذهنیت گردانندگان "خانه امن" به گروه اخیر نزدیک است. فرض را بر درستی گزارش‌ها گذاشته ایم و با اختصاص این خبرنامه به آن، راه حل جست و جو می‌کنیم. با این هدف که خشونت مضاعف خانگی بر زنانی که یک چنین شیوه‌ای برای زندگی را انتخاب می‌کنند، بررسی و تحلیل بشود.

"خانه امن" از زمانی که کار را آغاز کرده با زنان خشونت دیده در جریان روابط جنسی خارج از ازدواج مواجه شده که برای آنها فرصت‌های دفاع عادلانه قابل تصور نیست. قوانین راه را بر این دفاع بسته اند و کنترل خشونت توسط مردی که شریک جنسی آنهاست، امری محال به نظر می‌رسد.

آیا می‌شود این امر محال را با توجه به واقعیت وجودی آن تبدیل کرد به امری ممکن؟ اگر می‌شود از شما می‌پرسیم چگونه؟ و با کدام ابزار و دلائلی که در دسترس است.

زن در جای دوست دختری که به صورت ظاهر "همسر" است، اما فاقد مدرک شرعی یا قانونی ازدواج است، وقتی از سوی شریک جنسی خود خشونت می‌بیند و نمی‌خواهد رشته پیوند را فوراً از هم بگسلد، چگونه می‌تواند دادخواهی کند؟ این زنان به شدت مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند. شریک جنسی آنها

اگر مردی با صفات انسانی نباشد، با علم بر این که زن از ترس اتهام "زنا" نمی‌تواند حق خواهی کند، بر درجات خشونت می‌افزاید. گاهی با این هدف که زن بگذارد و برود، گاهی با این هدف که اگر زن مال و منال و درآمندی دارد، آن را از او بستاند و دست خالی رهاش کند. از آن بیش بلاتکلیفی فرزند احتمالی است که احیاناً محصول این رابطه است. فرزند اگر با وجود تلاش زن و مرد برای پیشگیری، در رحم زن شکل بگیرد و متولد بشود، با کدام سرنوشت مواجه می‌شود؟

پرسش‌ها بسیار است و "خانه امن" کاملاً درک می‌کند که پاسخگویی به آنها بسیار دشوار است. اما طرح یک معضل اجتماعی، همواره گونه‌ای روشنگری است. اگر نفعی در حد راه حلی که ما در پی آن هستیم نداشته باشد، اولاً ضرری ندارد، ثانیاً ممکن است با توضیح این موضوع بغرنج، روشنگری شده و زنان کمتری، این شیوه از زندگی جنسی و عاطفی را که در ساختار قانونی و فرهنگی و اجتماعی امروز ایران، هنوز مقبولیتی ندارد، و سایه حمایتی بر سر آن نیست، انتخاب کنند.

در خبرنامه یک الگو در اختیار می‌گذاریم از کشوری که برای این شیوه از زندگی افراد دو جنس، تدابیر قانونی و رفاهی اتخاذ و اجرائی کرده است. تبادل نظر در جهان بهترین شکل از تجربه آموزی است. وکلا و حقوقدان‌های ایرانی از این تجربه‌ها اطلاع دارند، ولی "خانه امن" به لحاظ هدفی که برای خود تعریف کرده، یک تجربه با تمرکز بر رابطه جنسی خارج از ازدواج را به شکلی که ظاهراً به زندگی زناشویی و خانوادگی شباهت دارد، ولی زوجین در آن خود را مقید به شرایط شرعی و قانونی رایج نکرده اند، در اختیار می‌گذارد. سپس تدابیر، قوانین و مقررات رفاهی و بهداشتی که دولت برای این "شبه خانواده‌ها" تصویب کرده و به اجرا گذاشته، مورد اشاره قرار می‌گیرد.





اینکه ضرورت جرم انگاری در روابط توأم با تجاوز و روابط آگاهانه و خود خواسته یکسان باشد.

عمده محدودیت های مورد اشاره تنها از یک ماده از مواد قانون مجازات اسلامی مبحث تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ سرچشمه می گیرد. جاییکه ماده ۶۳۸ قانون مزبور اشعار می دارد:

" هر کس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی باشد ولی عفت عمومی را جریحه دار نماید فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد

تبصره: زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد."

آنچه از این قانون برداشت می شود مرز بندی بین عمل حلال و حرام با برداشت شخصی ماموران و یا دیگران است. لازمه زندگی متعارف داشتن ارتباط با مردم است. در جوانی گفتگو و تعامل با جنس مخالف بیش از پیش برای ورود به زندگی اجتماعی ضروری است.

تفکیک جنسیتی در فضاهای عمومی و خصوصی از یک طرف جرم انگاری شناخته شده و از طرف دیگر، ضرورت حضور ماموران مختلف برای نظارت بر تفکیک جنسیتی در خیابانها و اماکن عمومی، صحنه نبرد بین جوان و ساختار ایدئولوژیک قانونی را به بدترین شکل هویدا ساخته و در برابر چشم رهگذران می گذارد.

اگر چه سرکوب کیفری و ایجاد محدودیت به بهبود اخلاقی جامعه منجر نشده است و نتیجه ای نداشته است، اما در سرنوشت بسیاری افراد جامعه و جوانان موثر بوده و آنها را به میدان نبرد قانون و حق بر زندگی بدون خشونت و روابط سالم و آزاد کشیده است و پیامدهای ناگواری در برداشته است.

در سالهای بعد از انقلاب ۵۷ دگر گونیهای عظیمی در حوزه روابط انسانی به مدد قوانین اسلامی در جامعه روی داده است. پیش از آن محدودیت های فرهنگی عرصه بر جوانان تنگ ساخته بود، پس از آن محدودیت های قانونی نیز بر آن افزوده شد. اینک سالیان متمادی است که عرصه فرهنگ در این زمینه متحول شده است، اما عرصه قانون محدود و محدود تر گشته است.

با افزایش دختران تحصیل کرده در کشور و رشد آگاههای عمومی سهم فرهنگ در محدودیت ها کاهش یافته و به سهم قانون افزوده شده است. این امر تقابلی جدی بین قانون و بخش هایی از حوزه خصوصی زندگی جوان ایجاد ساخته است.

قوانین مختلف حقوقی اعم حقوق کیفری و غیر آن همواره بر مبنای دیدگاههای ایدئولوژیک مسلط بر روابط جنسی، تاکنون تلاش داشته است تا نظریه تفکیک جنسیتی بین دختران و پسران را به منظور اجرای به اصطلاح آمیزه های اخلاقی به اجرا در آورد.

دور بودن این نظریه از مقبولیت اجتماعی، برای عملی شدن و تسلط به نیروی کنترل کننده و سرکوب گر محتاج است. از همین رو بهترین ابزار سرکوب از طریق قانونگذاری ایدئولوژیک فراهم می گردد. با به خدمت گرفتن چنین قوانینی به وسیله نیروهای پلیس و دستگاه قضایی، سرکوب کیفری برای امر خصوصی متداول شده است.

عدم بازشناسی ارزش های مذهبی از ارزش های حقوقی به جرم انگاری هر نوع تماس بین جوانان دختر و پسر منجر شده است. در حقیقت نوعی قانون نویسی کورکورانه و مبتنی بر تعصبات مذهبی صورت می گیرد نه مبتنی بر پژوهش و تحقیق و البته بدون رعایت نیاز های جامعه [۱] از این نظر، روابط بین دختر و پسر یک حادثه و یا واقعه تلخ هنجار شکن شناخته نمی شود تا محتاج به جرم انگاری و سرکوب کیفری باشد.

علاوه بر محدودیت هایی که نانوشته به دست مامورین پلیس، گشت های ارشاد، دوایر مبارزه با مفساد اجتماعی، ستادهای امر به معروف و نهی از منکر دولتی و نیروهای بسیج بر روابط انسانی در معابر و اماکن نسبت جوانان اعمال شده و می شود، قانون مجازات اسلامی هر رابطه خود خواسته و یا متجاوزانه را در یک سطح با تفاوت هایی اندک جرم انگاری کرده است، بدون

از جمله این پیامدها:

۱. زیر زمینی و پنهان شدن روابط متعارف افراد، یکی از پیامدهای روشن ایجاد محدودیت در رفتارهای مورد نیاز نسل جوان است. بدیهی است که در روابط پنهانی امکان آسیب به دختران بیشتر خواهد شد. افرادی که کمترین آشنایی با یکدیگر ندارند به ناچار باید به جای دیدار در یک رستوران یا پارک و یا در دانشگاه به پستوها بروند، جایی که امکان مصرف مواد مخدر و یا الکل در آن افزایش می یابد و سطح تماس ناخواسته از یک ملاقات معمولی به یک رابطه عمیق بعضا ناخواسته و تجاوز منجر می سازد.

۲. امکان شناخت جوانان از یکدیگر کاهش محسوس پیدا کرده است. عدم آگاهی از روحیات و انتظارات، آدرس نادرستی برای ادامه رابطه به دوطرف خواهد داد.

۳. جرم انگاری غیر ضروری، مرز اخلاقیات فردی و اجتماعی را در هم آمیخته است و هزینه های بسیار زیادی بر جامعه برای کنترل رفتار فردی تحمیل کرده است. این روند نتیجه ای جز بی عدالتی و بی نظمی در زندگی جوان دست آوردی نداشته و نخواهد داشت.

۴. در صورت آشکار شدن و یا کشف رابطه پنهانی، مردم به دنبال روش های شرعی حلال کننده خواهند گشت، بنابراین تقلب نسبت به قانون افزایش یافته است.

۵. ترس و نگرانی از بازداشت شدن دختران و پسران همواره در دل پدر و مادرها جاری است و آنها خواسته و یا عمدتا ناخواسته به ابزار کنترل پلیس بر جوانان خود تبدیل شده اند.

۶. برچسب زنی انجام رفتار منافی عفت به جوانان، از دیگر پیامدهای کنترل کیفری سرکوب مدار در این حوزه است که در جرم انگاری انجام شده و در فصل ۱۸ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات ذیل عنوان جرایم ضد عفت عمومی تعریف شده است، از این رو جوانانی که به هر دلیل گرفتار این سخت گیریها می شوند، به عنوان رفتار منافی عفت عمومی صاحب پرونده می شوند و این اتفاق در سوابق کیفری آنها تحت همین عنوان ثبت و برای همیشه می ماند. بدیهی است در زمان استخدام و یا نیاز به استعلام از دایره تشخیص هویت و سجل کیفری این سابقه برای آنها در دسر ساز خواهد شد.

۷. تفکیک جنسیتی و محدودیت های آزادی، سبب به حاشیه رفتن بیشتر دختران جوان و زنان می گردد. حاشیه نشین کردن زنان یک سیاست ایدئولوژیک است که در قاموس حقوق کیفری افراطی از طریق سلطه بر جوانان خود را نشان می دهد.

۸. ازدواج های نسنجیده و بدون شناخت در جامعه را پی ریزی و افزایش داده و خواهد داد، در نتیجه خانواده های برآمده از چنین ازدواج هایی را در شرایط بحرانی قرار داده موجب افزایش آسیب های متعدد به خانواده و اعضاء آن می گردد.

۹. نقض مکرر قوانین حقوقی در مناسبات فردی جوانان نهادینه شده و به شکلی در می آید که ارزش های اخلاقی جامعه با ارزش های مورد حمایت قانون در دو جهت متضاد از یکدیگر قرار خواهند گرفت. امکان تشخیص امر حقوقی دارای پشتوانه اخلاقی از امر فاقد پشتوانه اخلاقی دشوار شده است.

۱۰. و در نهایت استمرار این شرایط کرامت و حیثیت انسانی و حریم خصوصی جوانان را در معرض تعرض و آسیب بیشتر قرار می دهد.

نتیجه گیری:

با توجه به مجموع پیامدهای کنترل کیفری و سرکوب مدار بر مناسبات شخصی جوانان، زندگی برای آنها از حالت معمولی خارج گشته و حقوق در خدمت پاسداری از ارزش ها مورد پذیرش غالب مردم نقش آفرینی نمی کند، بلکه نبردی سهمگین در جامعه همواره در حال وقوع و در جریان است. این روند هزینه بسیار بالایی بر جامعه تحمیل کرده و موانع جدی برای رشد و تعالی انسانی در جوانان و نوجوانان ایجاد کرده است.

عدالت برای جوانان با سیاه و سفید و دختر و پسر کردن آنها فراهم نمی گردد، بلکه از طریق پاسخ به نیازهای آنها به دور از سرکوب فراهم خواهد شد.

از آنجاییکه به هیچ وجه امکان تقسیم بندی زنانه و مردانه یا تفکیک جنسیتی وجود ندارد و خواه ناخواه دختران و پسران در جامعه در کنار یکدیگر قرار می گیرند، شایسته است تا قواعد حقوقی و به خصوص حقوق کیفری در خدمت امنیت آنها باشد تا در خدمت سرکوب و فراهم کردن امکانات تسلط بیشتر بر امور خصوصی آنها.

با حذف عناوین کیفری از این ارتباطات از زیر زمینی شدن مناسبات فردی و معمولی جلوگیری می گردد. در این شرایط بازشناسی رفتارهای پر خطر از رفتارهای مبتنی بر نیاز جوان، ساده خواهد شد. می توان ادعا کرد که در صورت بازنگری در قوانین کنونی، با کاهش خشونت هایی مانند تجاوز نسبت به دختران روبرو خواهیم شد.

منبع: [۱] نظرپور، سجاد؛ تاریخ تحولات جرایم جنسی در ایران؛ به نقل از وب سایت [حق گستر](#)



پرتقال یکی از کشورهایی است که به روابط خارج از ازدواج، به هر شکلی که باشد، به صورت حمایتی نگاه می‌کند و در قانونگذاری برای کنترل خشونت خانگی، هر گونه رفتار خشونت آمیز از سوی این جفت‌های جنسی نسبت به یکدیگر را مصداق "خشونت خانگی" شناخته و مشمول قوانین ناظر بر کنترل خشونت خانگی قرار می‌دهد. این نگرش حمایتی به صورت زیر در صدر قوانین مرتبط با موضوع نقل شده است:

انواع بدرفتاری فیزیکی و روانی مانند تنبیه بدنی، سلب آزادی و تهاجم جنسی علیه زوجی از جنس مخالف یا همجنس که با مهاجم رابطه عاطفی (دوست دختر/ دوست پسر)، یا رابطه‌ای شبیه ازدواج داشته یا دارد، حتی اگر دونفر در خانه‌های متفاوتی زندگی کنند، خشونت علیه زوج عاطفی (خشونت خانگی) به شمار می‌آید.

منبع قانونی:

ماده ۱۵۲ از قانون جزائی پرتقال

مواد قانونی مربوط به احکام محافظت و بازدارندگی:

یک – فرمان قانونی ۱۱۲/۲۰۰۹ مصوب سپتامبر ۲۰۰۹

دو – ایجاد اقدامات اجباری در شرایط اضطراری، قابل اجرا ظرف ۴۸ ساعت پس از ایراد اتهام (ماده ۳۱)

سه – ایجاد اقدامات مراقبتی برای قربانیان و شهود در طول دوره جمع‌آوری مدارک و در جلسات دادرسی، و ترویج جلسات دادرسی ویدیویی و صوتی از راه دور (ماده ۳۲)

چهار – ایجاد دسترسی به ابزار فنی ارتباط از راه دور (ماده ۳۵)

پنج – ایجاد روش‌های مشخص بازداشت در حین ارتکاب جرم (ماده ۳۰، بند ۲ و ۳)

شش – ارزیابی غیبت موجه از کار (ماده ۴۳) و شناخت رفت و آمد جغرافیایی به عنوان یک اصل (ماده ۴۴) در زمینه حمایت اجتماعی و شغلی از قربانی.

منبع: <http://eige.europa.eu/gender-based-violence/legal-definitions?vt%5B%5D=950&c%5B%5D=339>

European Union - European Institute for Gender Equality (EIGE)





دیان آیدو کوچیچ گزارشی از فعالیت های "جامعه حمایت روانی" در این زمینه ارائه داشت. این جامعه در هفت دانشکده دست به ارائه واحدهای اختیاری آموزش در باره خشونت زده است. در کلاس ها دانش آموزان را آموزش داده، به آنان اجازه می دهند که با نوجوانان در دبیرستان ها جلسات آموزشی و تمرینی برگزار کنند. به نظر می رسد که این جلسات، نمونه ای از فعالیت های مفید است که می تواند به صورت مستمر برگزار بشود.

دالیبور استانیک نمونه هایی از فعالیت های سازمان "اتاق زنان" را برای جلوگیری از خشونت بر اساس جنسیت، مخصوصاً خشونت جنسی علیه جوانان تشریح کرد. گزارشی در باره برنامه ای برای مردان جوان از سوی سازمان جامعه مدنی "مقام میم (مذکر)" توسط ناتکو گرش ارائه شد. این برنامه آموزشی بر ترویج هنجارهای برابری جنسی، زندگی سالم و رفتار غیر خشونت آمیز در میان مردان جوان تمرکز دارد. مارینا ترموس از "انجمن گام به گام والدین" برنامه ای به عنوان (CAP) را معرفی نمود که تلاش دارد از کودک آزاری از دوره پیش دبستانی تا دوران نوجوانی جلوگیری نماید.

بیسرکا شاورا آموزشگر و دستیار در سازمان سسی نیز تجربیات خود را در زمینه پیشگیری از خشونت با شرکت کنندگان در میان گذاشت. خانم شاورا جلسات آموزشی-تمرینی را با موضوعات جلوگیری از خشونت در روابط میان نوجوانان، جنسیت و برابری جنسی در مدارس برگزار می کند.

ایوا ژرژانویچ از مرکز «مطالعات صلح» که در اجرای ابتدایی آموزش مدنی همکاری داشت نیز در مورد اهمیت آموزش مدنی سخن گفت.

نتیجه گیری:

در این میزگرد بر نیاز به درک توانایی های بالقوه سازمان های جامعه مدنی از سوی مقامات محلی تاکید شد. شرکت کنندگان بر این باورند که این سازمان ها باید در اجرای برنامه های آینده شرکت جدی داشته باشند و همچنین از حمایت هایی مانند کمک های مالی و در اختیار قرار دادن فضای لازم برای شروع

میز گردی که در کرواسی برگزار شد و گزارشی از آن انتشار یافت، نمونه ای است قابل الگوبرداری برای کشورهای که نمی توانند از موانع ناشی از کلیشه های جنسیتی که روابط دو شریک جنسی را به زیان زنان سامان می دهد عبور کنند. در این میزگرد نگاه شرکت کنندگان به موضوع همه جانبه بوده و مروری بر آن سودمند است.

این گزارش پیشنهادات بسیار مهمی را برای جلوگیری از خشونت، مطرح کرده است. عمده پیشنهاد این است که همکاری میان بنیادها و سازمان های درگیر، باید بیشتر بشود. روش های تکامل یافته با هدف پیشگیری از خشونت در روابط زوج های جوان، باید به آگاهی همگان برسد. سیاست ها و برنامه های مرتبط با جلوگیری از خشونت در جمع کودکان و نوجوانان و جوانان، باید با رویکرد تازه ای تدوین بشود.

چه کسانی با کدام تخصص در این میزگرد شرکت داشته و به کدام نکته های مهم اشاره کرده اند:

ویشنیا یویچیچ بازرس برابری جنسی در جمهوری کرواسی که پیرامون اهمیت حساسیت نسبت به جنسیت در جریان تدوین سیاست ها، برنامه ها و آموزش سخن گفت.

لیدیا پونگراک وینسلی نماینده "دفتر شهری آموزش، فرهنگ و ورزش (زاگرب)" در سخنان خود به نقش جوامع محلی در جلوگیری از خشونت اشاره کرد. او بر نیاز به همکاری مداوم بین ناحیه ای و شرکت تمامی سازمان های فعال در زمینه های کودکان و جوانان در روند کار تاکید کرد و گفت این همکاری به هماهنگی بیشتر برای از میان برداشتن تمامی انواع خشونت می انجامد.

سسی (CESI) نخستین سازمان جامعه مدنی بود که به شکل سازمان یافته دست به فعالیت برای جلوگیری از خشونت در میان نوجوانان زد. انجام تحقیق، تعلیم آموزگاران، برگزاری جلسات آموزشی برای جوانان، تولید کمپین، برنامه های پیشگیری و مواد آموزشی فعالیت های این سازمان را تشکیل می دهد.

نیکشا یلوچیچ به نمایندگی از اداره پلیس از فعالیت های پلیس برای پیشگیری از خشونت سخن گفت.

اهداف و فعالیت‌هایی برای جلوگیری از خشونت بر اساس جنسیت باشد.

در عین حال لازم است که مأموریت بلند مدتی برای جلوگیری از خشونت تعریف شود که توان جمع آوری وسیع اطلاعات در مورد اجرای برنامه‌ها، تخصیص بودجه به سازمان‌های فعال در این زمینه و ارزیابی تأثیرات این برنامه‌ها بر گروه هدف را دارا باشد. برای رسیدن به این اهداف، تخصیص مداوم بودجه به برنامه‌هایی که موثر بودندشان در برقراری همکاری بین منطقه‌ای و برقراری همکاری میان سازمان‌های جامعه مدنی محلی فعال در این زمینه ثابت شده است ضرورت دارد. همچنین پیشنهاد می‌شود که مسئله‌ی کلیشه‌های جنسیتی موجود در جامعه در برنامه‌های جلوگیری از خشونت میان جوانان مورد توجه قرار گیرند.

این میزگرد بخشی بود از پروژه‌ی «مرتبط - برای روابط بدون خشونت» سازمان سبسی با همکاری «گروه صلح اوزا بلی ماناستیر»، «انجمن نیروهای بالقوه» از شهر بندری رییکا، «انجمن زورا (Zora)» از شهر چاکوتس و «انجمن زوم (ZUM)» از شهر پولا، که با حمایت مالی «سازمان ملی توسعه جامعه مدنی»، وزارت علوم، آموزش و ورزش و شهرداری زاگرب برگزار شد.

به کار برخوردار شوند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در مناطق مختلف روش‌های استفاده شده برای جلوگیری از خشونت با یکدیگر تفاوت دارند. در نتیجه لازم است که فعالیت‌ها پس از ارزیابی نیازهای منطقه مورد نظر انجام گیرند و دسترسی آسان به برنامه‌ها و کیفیت این برنامه‌ها برای ساکنان آن منطقه تضمین شود.

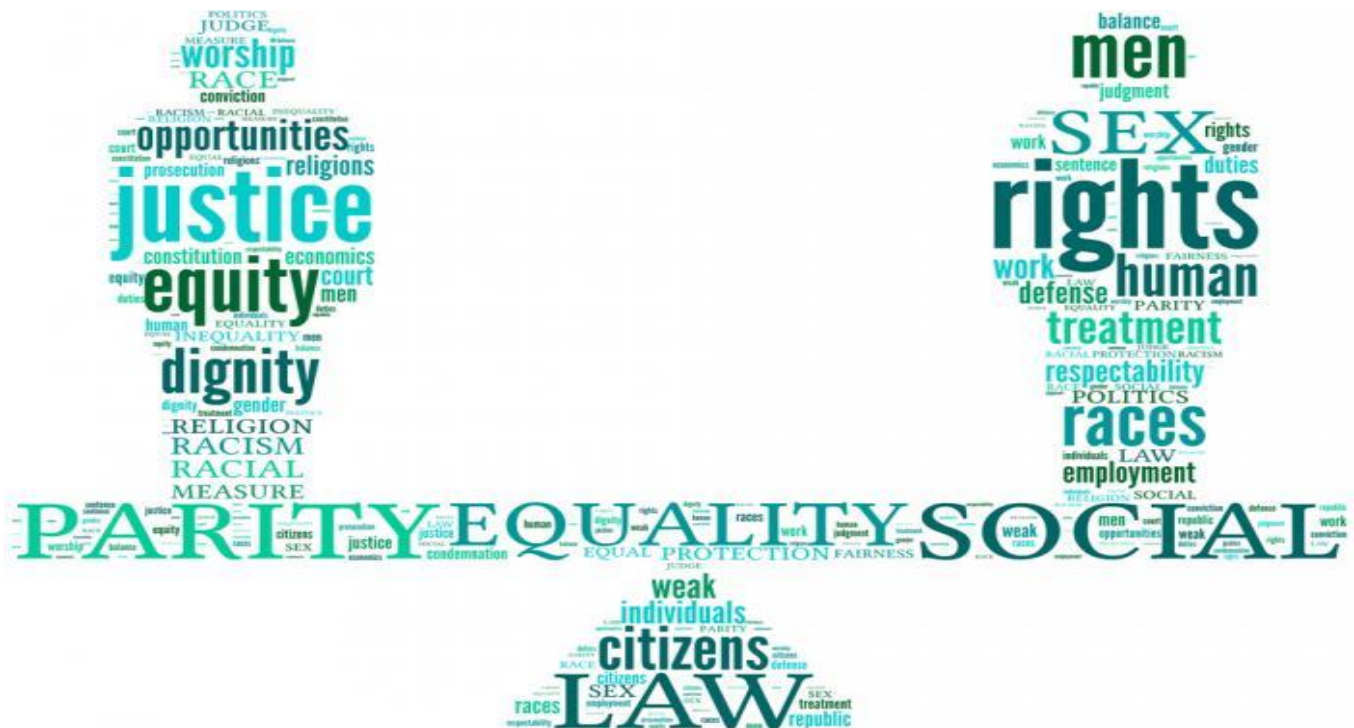
همچنین برای افزایش شفافیت در کار مقامات محلی در وضع قوانین، مقررات و سیاست‌های اجتماعی، این مقامات باید تمایل بیشتری به شرکت دادن شهروندان و سازمان‌های جامعه مدنی در روند تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌های عمومی از خود نشان دهند.

وجود نگاه جنسیتی مناسب در برنامه‌ها و استراتژی‌هایی که مربوط به مسائل کودکان می‌شوند، هم در سطح محلی و هم در سطح ملی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به همین دلیل جهت تضمین برابری جنسی، لازم است که از متخصصان این زمینه در طراحی و اجرای این برنامه‌ها استفاده شود.

«برنامه نوین ملی جوانان» باید تأثیرات هر یک از فعالیت‌های خود را بر مردان و زنان جوان مورد بررسی قرار دهد. این برنامه باید تضمین کند که هم مردان و هم زنان جوان در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از این فعالیت‌ها بهره می‌برند. اسناد و مدارک مربوط به این برنامه نیز باید شامل

منبع: <http://www.cesi.hr/en/news/1616-presentation-of-the-publication-for-non-violent-relationships>

Republic of Croatia - CESI - Center for Education, Counselling and Research





دادگاه گزارش می‌دهد که شوهر موکلش، همسر جوان و زیبایی دارد که از یک سال پیش او را صیغه کرده است.

حاضران در گوشی به هم می‌گویند: این که ربطی به پرونده حاضر ندارد. کار خلاف شرع که نکرده است.

وکیل ادامه می‌دهد: مرد عیث عیث به خانه همسر دائم می‌آمده و فقط با بچه‌ها دیدار می‌کرده، اما شب آنها را ترک می‌کرده است. وکیل با معرفی شهود که همسایه‌ها و فرزندان زن هستند به قاضی توجه می‌دهد که برای زن با آن که شوهر داشته، دسترسی به تأمین تمنیات جنسی به صورت مشروع میسر نبوده است. وکیل مدافع پس از ورود به مفاهیم فقهی و قانون مجازات اسلامی در این باره، برائت موکل را از اتهام "زناى محصنه" خواستار می‌شود.

دادگاه شوهر را فرا می‌خواند تا پاسخ بدهد. مرد از موازین فقهی و قانونی اطلاعات ناقصی دارد و می‌گوید در هر حال او ناموس من است و حق نداشته به علت این که من مدتی با او همخوابگی نکرده‌ام، بی‌ناموسی کند و به غیرت مردانه من صدمه بزند. آبرویم پیش در و همسایه و اهل محل و همکارانم رفته است. باید سنگسار بشود. اصلاً به او چه مربوط که من زن دیگری گرفته‌ام. حکم دین را اجرا کرده‌ام. خلاف که نکرده‌ام.

وکیل شوهر دست و پای خود را گم می‌کند و متوجه می‌شود در موقعیت ضعف قرار گرفته است. نقلا می‌زند دفاعیات موکل خود را رفع و رجوع کند نمی‌تواند.

قاضی چند شاهد را که پشت در ایستاده‌اند فرا می‌خواند. شهادت می‌دهند که مرد گاهی به خانه سری می‌زده و غروب از زن و فرزندان جدا می‌شده. البته نفقه می‌داده و به بچه‌ها و خواسته‌های آنها رسیدگی می‌کرده، اما حضورش موقت بوده و زن همواره از او نزد همگان ابراز گله‌مندی می‌کرده.

قاضی به تامل می‌نشیند و اظهارات شاکی را بالا و پائین می‌کند و شوهر را سوال پیچ. تا به صراحت در می‌یابد که شوهر مدتها پیش از وقوع رابطه جنسی خارج از زناشویی، به همسرش نزدیک نمی‌شده است.

دادگاه تشکیل جلسه داد. پروین در جایگاه متهم قرار گرفت. اتهام او "زناى محصنه" بود و کیفرخواست صادره، مجازات سنگسار را پیشنهاد می‌کرد. شوهر شاکی خصوصی بود، ولی جرم "زناى محصنه" در مجموعه "حق الله" قرار می‌گیرد و هنگامی که ثابت می‌شود، حتی گذشت شاکی خصوصی نمی‌تواند، مرتکب را از مجازات "حدود الهی" که گفته می‌شود "سنگسار" یکی از آنهاست برهاند. بنابراین در جلسات رسیدگی، نقش وکیل مدافع بسیار اهمیت دارد و مرگ و زندگی یک "انسان" تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد.

پروین در مرحله تحقیقات به رابطه جنسی خارج از ازدواج اقرار کرده است. مرد هم جرم او هم در جلسه رسیدگی حضور دارد. ولی مرد هم جرم فقط متهم به ارتکاب "زنا" است و وصف احصان، شامل حال او نمی‌شود. در نهایت به مرگ محکوم نمی‌شود. چرا؟ چون مجرد است و زن ندارد. وکیل او هم در جلسه حاضر است. هر دو مجرم به صورت ظاهر مرتکب یک نوع جرم شده‌اند که رابطه خارج از ازدواج است، ولی قانونگذار دو گونه مجازات برای هر یک تعیین کرده است. نظر به این که زن شوهر دارد و ظاهراً دسترسی به تمتع جنسی با همسر شرعی و قانونی خود داشته، مجازات مرگ انتظارش را می‌کشد. اما مرد با آن که مرتکب همان جرم شده، به سبب آن که همسری مشروع و قانونی در دسترس نداشته، حداکثر به یکصد ضربه شلاق محکوم می‌شود که مجازات سنگینی است، ولی با مجازات مرگ که زن هم جرم او ممکن است به آن محکوم بشود، تفاوت دارد. بدون شک مرد هم جرم ادعا خواهد کرد که خبر نداشته زن متاهل است. در هر حال از سنگسار نجات پیدا می‌کند، اما از حد زنا نمی‌تواند خود را نجات بدهد.

آیا وکیل مدافع زن، دستش خالی است؟ با وجود این همه سختگیری‌های قانونی، وکیل نمی‌تواند به موکل خود کمک کند و او را از مجازات مرگ برهاند؟ صحنه را زیر چشم دارم. وکیل مدافع زن با اعتماد به نفس وارد دفاع می‌شود. موکلش حتی در حضور قاضی در جلسه اقرار کرده. نه یک بار که چهار بار. بنابراین به نظر می‌رسد، از وکیل مدافع کاری بر نمی‌آید. پس چرا این اندازه اعتماد به نفس دارد؟

دفاع از زن شروع می‌شود. دست وکیل خالی نیست. پیداست مدتها روی پرونده کار کرده و می‌داند چه می‌کند. او ابتدا به

نتیجه:

زن به لحاظ آن که امکان تمتع جنسی به صورت شرعی نداشته از "زنای محصنه" تبرئه و اتهام او تبدیل می شود به "زنا". سایه وحشتناک مرگ به صورت سنگسار یا اعدام محومی شود و مجازات تبدیل می شود به یکصد ضربه شلاق.

اگر عادلانه داوری کنیم، زن اساساً نباید محکوم به مجازات می شد. چون شوهر با او همخوابگی نمی کرده و او را در مشقت جنسی قرار داده بوده. با استفاده از قانون و شرع، زن زیباتر و جوان تری را به صورت موقت عقد کرده. زن دائم او، یک چنین جوازی برای کامجویی جنسی نداشته. در عسر

و حرج کامل به سر می برده است. و شاید کاسه صبرش پر شده و به رابطه خارج از ازدواج تن داده. انگیزه ارتکاب جرم را "قانون" ایجاد کرده است که به مرد انواع امکانات را برای کامیابی داده و همه را از زن دریغ کرده است. به جای آن به مردان جواز قتل ناموسی و شکایت از زن خلافکار را تا سرحد کشتن او به دست قانون داده است. این عدالت است؟

راستی یک چنین انسان گرفتاری چرا باید علاوه بر زندگی مشقت باری که پشت سر دارد، یکصد ضربه شلاق هم بخورد؟ چرا؟ چرا؟ عقل و عدالت را وسط بگذاریم. باید در تعریف عدالت، متناسب با زمانه ای که در آن زندگی می کنیم، تجدید نظر بشود.

